

# چرتوپیا

تاریخ زوال

یک اتوپیا

به روایت

سیاستوس

میکلانکوس

آیدین

سیارسریع



## درآمد

بعد از بحران اقتصادی یونان و آغاز تزلزل سیاسی این کشور در ۲۰۰۹ ما، یعنی جمعی از فیلسوفان، اشراف و نجیب‌زادگان یونانی که دل در گرو اندیشه‌های حضرت والا افلاطون کبیر داشتیم، به دولت وقت فشار آوردیم تا با تشکیل مدینه‌ی فاضله (اتوپیا) و اجرای قوانین افلاطونی از این بحران عبور کند. اما دولت در مقابل این دلسوزی‌ها، در کمال ناسپاسی امتناع ورزید و به اتهام گروگان‌گیری دختر نخست‌وزیر و تیراندازی به کاخ ریاست جمهوری از کشور اخراج مان کرد. در واکنش به این بی‌احترامی آشکار، یکی از اعضا به نام گذالفنون با هزینه‌ی شخصی خود جزیره‌ای به نام کوکوس در استرالیا خرید و خود را بالاترین مقام علمی - سیاسی مدینه‌ی فاضله یعنی «فیلسوف‌شاه» نامید. چندی بعد نام جزیره به احترام کرت، جزیره‌ی فیلسوف خیز یونان، «چرت» نام‌گذاری شد. در یکی از همان روزها حضرت گذالفنون کبیر با هوش بالایی که داشتند متوجه مشکلی در جزیره شدند و گفتند با پنجاه فیلسوف برقراری مدینه‌ی فاضله ممکن نیست و ما باید فیلسوفان سراسر جهان را جذب جزیره نماییم. مقرر شد طی فراخوانی به جهان اعلام کنیم آماده‌ی پذیرش اندیشه‌ورزان افلاطونی از سراسر جهان ایم. بعد از گذشت یک ماه

دیدیم هیچ کس پایش را به جزیره نگذاشته است. با بررسی های انجام شده معلوم شد برخی قوانین دست و پاگیر مانع ورود مهاجران می شود. از جمله ای این موانع، تابلویی بود که با الهام از آکادمی افلاطون در ورودی شهر قرار گرفته بود. روی تابلو با حروف بزرگ نوشته بودیم «هر کس هندسه نمی داند وارد نشود»! فیلسوف شاه بزرگ گذالفنون کبیر با همان تدبیر همیشگی شان دستور دادند شرط مزبور را کمی آسان تر کنیم. پیشنهاد دادند بالای عبارت هندسه یک ابر و باز کنیم و بنویسیم «در حد گرفتن مساحت مربع نیز قبول است». به فرموده ای ایشان چنین کردیم اما باز هم کسی نیامد تا این که اعلی حضرت چاره ای دیگری اندیشیدند و اعلام نمودند به هر کسی که اندیشه های افلاطون را از عمق جان بپذیرد و به جزیره ی چرت مهاجرت کند، پنجاه هزار سکه ی طلای چرتی جایزه می دهند. همین کافی بود تا سیل علاقه مندان و مشتاقان فلسفه فوج فوج قدم بر مدینه ی فاضله بگذارند و بالاخره اتویبای ما به واقعبیت نزدیک تر شود. یادداشت های پیش رو خاطرات بنده ی حقیر، سیاستوس میکلائنکوس، مشاور فیلسوف شاه از دوران طلایی اما کوتاه این حکومت است. این مکتوب متأسفانه بعد از سال ها توسط برخی دشمنان مغرض و کم خرد به تاریخ زوال یک مدینه ی فاضله نیز معروف شده است.

## صبح روز بیستم ماه جمهوری از سال ۲۴۱۹

### موت السقراط تاریخ چرتی

هفت صبح با صدای ناقوس کاخ بیدار شدم. برای خواندن کتاب تازه منتشر شده ی اعلی حضرت گذالفنون که مدینه ی فاضله نام دارد تا نیمه های شب بیدار بودم و خواب شب را به این منظور تباہ کردم. عده ای فیلسوف نما و توطئه گر با عقل های ناقص خود ادعا کرده اند که اعلی حضرت این کتاب را با دستان مبارک خود مکتوب نکرده و تنها نام نویسنده را، که شخصی گمنام موسوم به ابونصر فارابی است، تغییر داده اند و به نام خود منتشر نموده اند. مدتی است برای رد این ادعا از سوی گذالفنون کبیر مأمور شده ام تا با یافتن تفاوت های دو متن دهان عیب جویان را ببندم. تاکنون به موفقیت هایی بزرگ هم نایل گشته ام. تفاوت ها کاملاً مشهود است و هر که از خُرده هوشی بهره مند باشد متوجه آن ها می شود. برای مثال در صفحات نخستین کتاب ابونصر آمده که «این کتاب را به پدر مرحومم تقدیم می کنم». اما در همان صفحه ی کتاب، اعلی حضرت نوشته اند «این کتاب را به خودمان تقدیم می کنیم.» نام نویسنده، نام ناشر، تاریخ نگارش، شابک و طرح جلد و خلاصه همه چیز به کلی فرق دارد و از همه مهم تر این که در کتاب اعلی حضرت فصل یازدهم به شرح کامل نظریات فیلسوف بزرگ، امپدوکلس، اختصاص داده شده و در کتاب ابونصر در

\* تاریخ نگاران و منجمان مدینه ی فاضله تاریخی مستقل برای جزیره ی چرت نوشته بودند که سالش از وفات سقراط در ۳۹۹ قبل از میلاد شروع می شد و ماهش نیز هر کدام نام اثری از افلاطون داشتند. جمهوری نام یکی از کتاب های افلاطون است.